

جعفر بن حسن محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق.)، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۳۶۴ش؛ معتمد العروة الوثقی: محاضرات الخویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق.)، به کوشش رضا خلخالی، قم، انتشارات مدرسه دارالعلم، ۱۴۰۴ق؛ المعتمد فی شرح المناسک: (کتاب الحج: محاضرات الخویی): به کوشش محمدرضا موسوی خلخالی، قم، انتشارات دارالعلم/ مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۱۰ق؛ مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشریبینی (۹۷۷)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العربی؛ المقنع: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.)، قم، انتشارات مؤسسه الامام الهادی، ۱۴۱۵ق؛ المقنع: شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (۳۳۶-۴۱۳ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لایحضره الفقیه: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ مناسک جامع حج: ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق؛ مناسک حج (المحشی): امام خمینی (م. ۱۳۶۸ش.)، نشر مشعر، ۱۴۱۶ق؛ مناسک عمره مفرده (محشی): محمدرضا محمودی، تهران، مشعر، ۱۴۲۹ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، تحقیق گروهی از اساتید نجف، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ق.)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق؛ مهذب الأحکام فی بیان الحلال و

الحرام: سید عبدالاعلی سبزواری (م. ۱۴۱۴ق.)، دفتر آیة الله سبزواری، ۱۴۱۶ق؛ المهذب فی فقه الشافعی: ابراهیم ابن علی الشیرازی (م. ۴۷۶ق.)، بیروت، دار احیاء الکتاب العلمیه؛ المهذب: ابن براج طرابلسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ مواهب الجلیل: محمد بن محمد الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ موسوعة الامام الخویی: سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق.)، قم، انتشارات احیاء آثار الخویی، ۱۴۱۸ق؛ النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی: محمد بن حسن الطوسی (۳۸۵-۴۶۰ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تفصیل مسائل الشریعه): محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.)، به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ الینایع الفقهیه: علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۰ق.

سید عباس رضوی



حج‌گزاری: اعمال عبادی خاص در سرزمین مکة

حج، به معنای زیارت و قصد بیست الله الحرام، مناسک و ویژه‌ای دارد و طبق روایات اسلامی، تاریخ آن به دوره آدم علیه السلام یا ابراهیم علیه السلام می‌رسد. سنت زیارت کردن و به سمت کعبه آمدن در موسم خاص، پیوند دهنده انسان با خداوند و تأمین‌کننده آرامش و امنیت و رفاه عمومی بوده است. (قصص/۵۷، ۸۸)

حج، افزون بر گزارش وضع حج، به راهنمایی حج‌گزاران سال‌های آتی می‌پرداختند.^۲ (← سفرنامه‌نویسی)

◀ **حج پیش از اسلام:** به گفته منابع روایی پیش از آفرینش آدم علیه السلام، فرشتگان بر گرد بیت المعمور، جایی محاذی کعبه در آسمان چهارم، طواف می‌کردند.^۳ بعد از آفرینش و هبوط آدم علیه السلام، او کعبه را ساخت و سپس مناسک حج را از جبرئیل آموخت و ۴۰ بار از راه دور به مکه آمد و حج گزارد.^۴ حج‌گزاری میان اخلاف حضرت آدم علیه السلام (ملقب به ابوالحجاج) تداوم یافت^۵ و پیامبران بعد از او، بر انجام حج اهتمام ورزیده، بسیاری از آنان در جوار کعبه به خاک سپرده شدند.^۶ طبق این روایات، کعبه در طوفان نوح علیه السلام ناپدید^۷ و به تدریج آیین حج به فراموشی سپرده شد. ظاهراً حضرت ابراهیم علیه السلام به احیای سنت حج پرداخت؛ زیرا او پایه کعبه را بالا برد و مناسک حج را از جبرئیل آموخت. سپس مردمان را به حج دعوت

در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، اخبار حج معمولاً در منابع تاریخ عمومی و سفرنامه‌های حج، گزارش داده می‌شد. ارائه اطلاعاتی از حج‌گزاران هر ناحیه، از کاروان‌ها، وضع راه و توقفگاه‌ها و یاد کردن از نام‌آوران حج گزار و خدمات آن‌ها در امور حج و حرمین، محتوای اخبار این منابع را شکل می‌داد. درباره شمار حج‌گزاران، بیشتر به جمله‌ای کلی حاکی از کم یا زیاد بودن حاجیان هر سال، بسنده می‌شد؛ با این‌که گاه از جشن‌های هنگام رفت و بازگشت کاروان سخن می‌رفت.^۱ اما در منابع متقدم، اطلاعی از آیین‌ها و رسوم مناطق اسلامی در امر حج‌گزاری ارائه نمی‌شد.

عمدتاً از سده دوازدهم قمری در ایران، آسیای میانه، شام، مصر، مغرب، یمن و هند، به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی، نگارش سفرنامه و خاطرات حج رشد کرد. اما در مناطق دور، مانند اندلس و مغرب اقصی که سفر حج بیشتر به صورت فردی و خانوادگی بود، سفرنامه‌نویسی قدمت بیشتری دارد؛ زیرا از سده ششم تا یازدهم قمری، دانشورانی مانند ابن جُبیر، ابن رُشید، عبدَری، ابن بطوطه، قَلصادی، عیاشی و هشتوکی، با نوشتن سفرنامه

۲. نک: تاج المفرق، ص ۹۸-۱۰۱، «مقدمه».
 ۳. تاریخ بلعی، ج ۱، ص ۵۳؛ تاریخ گزیده، ص ۲۱.
 ۴. تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۱۲۵.
 ۵. تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۱۲۵.
 ۶. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۵۱، ۶۸-۶۹، ۷۲-۷۴؛ تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۱۲۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۰.
 ۷. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۳۸، ۵۲-۵۳.

۱. نک: رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۲۱؛ الرحلة الی مصر و السودان و الحبشه، ج ۱، ص ۵۵۹؛ ترحال فی الجزيرة العربیه، ج ۲، ص ۳۹.

کرد^۱ و سپس خود او، پسرش اسماعیل و گروهی از مردم، حج به جای آوردند.^۲
(← ابراهیم، حج انبیا)

پیش از اسلام، قبایل جزیره العرب، معابد گسترده‌ای برپا کرده بودند و هر معبد، آداب و رسوم خاص داشت. کثرت تلبیه‌های مرسوم در عصر جاهلیت نشانگر تنوع مناسک میان این قبایل است.^۳ آن‌ها برای بیت‌اللات، بیت مناة و بیت ذی‌الخلصة و معابد دیگر، قربانی و طواف انجام می‌دادند.^۴ (← جاهلیت، حج جاهلی) با این حال، حج به سمت بیت‌الله الحرام رو به گسترش داشت و عموم این قبایل، در موسم خاص، مناسک حج خود را به سمت آن به جا می‌آوردند. ادعا شده در عصر جاهلیت، حج بیت‌الله الحرام مختص اهالی حجاز نبود و کعبه، حتی نزد اهل کتاب و برخی اقوام غیر عرب، تقدس داشت.^۵ به احتمال، مواردی چون هدیه دادن ایرانیان به کعبه و زیارت آن^۶، رفتن پادشاهان حمیر،

کنده، غسان و لخم به زیارت کعبه^۷ نشانه فراگیری حج و زیارت کعبه، در آن عصر است. از سوی دیگر، تولیت قریش بر حرم و وضع آداب خاص و الزام زائران به رعایت آن و نیز رواج تقسیم سه‌گانه خمس^۸، حله و طلس و تطبیق آن بر حج گزارانی از جنوب و شمال جزیره العرب^۹ را نشانه محدود بودن گستره جغرافیایی حج گزاران به حجاز و نواحی اطراف آن دانسته‌اند.^{۱۰} (← قریش، خمس)

مقارن ظهور اسلام، حج به عنوان سنتی مقدس و با آدابی چون مُحرم شدن، طواف، سعی، وقوف در عرفه، مَشْعَر، منا و مزدلفه، قربانی، تهلیل، تلبیه و رمی جمره، هر سال برگزار می‌شد و برای حج گزاران، افزون بر برپایی بازار کالا، خدمات رفاهی در قالب قیادت (راهنمایی حاجیان)، سقایت (آبرسانی به حاجیان) و رفادت (پذیرایی از حاجیان) پدید آمد.^{۱۱} عبدمناف و فرزندانش که عهده‌دار این مناصب بودند، با تدابیر رفاهی

۱. مجمل التواریخ، ص ۱۹۳.

۲. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۶۶-۷۲؛ تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۲.

۳. نک: المفصل، ج ۱۱، ص ۳۵۱.

۴. السیره النبویه، ج ۱، ص ۸۳-۸۷؛ الروض الانف، ج ۱، ص ۳۵۵.

۵. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۹؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳-۲۴.

۶. مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۸۳-۲۸۴.

۷. معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۸۳.

۸. نک: اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۱۸۰، ۱۷۷-۱۸۲؛ العقد الثمین، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۰۴.

۹. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، ص ۵۹۲، «حج مباحث تاریخی».

۱۰. المنطق، ص ۲۲۲-۲۲۴؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۷-۷۸، ۸۳-۸۵.

۱۱. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵.

مستقل، توضیح داده‌اند.^۵ (← حجة الوداع) از دوره ابوبکر* تا پایان خلافت حضرت علی علیه السلام، حج‌گزاری با سرپرستی خود خلیفه یا امیری که او تعیین می‌کرد، به عمل می‌آمد. خلیفه دوم به سبب فراهم بودن شرایط و مقتضیات، سال‌های بیشتری در کسوت امیر الحجاج مسلمانان حج گزارد. (← عمر بن خطاب) خلیفه سوم هم چند سالی حج گزارد و سرپرست کاروان مسلمانان بود. گرچه گاه خواندن نماز تمام در منا از سوی عثمان اعتراض برخی صحابه را برمی‌انگیخت.^۶ (← عثمان بن عفان) در این دوره، در توجه به امر آبرسانی برای حج گزاران، آب قنات‌ها به سمت استخرهایی در عرفات کشیده شد.^۷ در دوره حضرت علی علیه السلام، به سبب کارشکنی برخی صحابه، به خصوص معاویه، موسم حج گاه شاهد درگیری و اختلاف شده بود.^۸ (← علی بن ابی طالب) معاویه به منظور ایجاد هرج و مرج در خلافت حضرت علی علیه السلام، جاسوسانی را در موسم حج به مکه فرستاده بود.^۹

خاص، چون تهیه شیر و عسل، حاجیان را سیراب می‌کردند.^۱ (← بنوعبدمناف)

◀ حج‌گزاری دوره اسلامی: بعد از ظهور اسلام و در سال ششم یا دهم هجری که حج واجب شد^۲، بسیاری از سنت‌های ابراهیمی حج احیاء گردید و نشانه‌های شرک از مناسک پیراسته و سنت‌های جاهلی از بین رفت. در سال نهم، با سرپرستی ابوبکر، ۳۰۰ تن از مسلمانان عازم حج شدند. حضرت علی علیه السلام به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله خود را به کاروان رساند و مانع پیوستن مشرکان به کاروان مسلمانان شد و تأکید نمود مشرکان نمی‌توانند در حال شرک حج گزارده و عریان طواف کنند.^۳ حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به همراه مردم مدینه و قبایل اطراف، در سال دهم هجری، بدون حضور مشرکان، به حجة الاسلام* و حجة الوداع* شهرت یافت و سنت‌های جاهلی، چون نسیء، ملغا گردید.^۴ (← نسیء) بسیاری از فروع حج از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در حج این سال، به دست آمده و راه استنباط این احکام را عالمان اسلامی، با نوشتارهای

۵. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الدرر الفرائد، ج ۲، ص ۲۲۵.

۶. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۷. البلدان، ص ۹۰، «پاورقی»؛ تحصیل المرام، ج ۲، ص ۶۰۹.

۸. نک: مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۱-۳۰۲.

۹. نهج البلاغه، نامه ۳۳.

۱. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۲. البداية و النهاية، ج ۴، ص ۱۸۰.

۳. التنبيه و الاشراف ص ۲۳۷؛ سبل الهدی، ج ۸، ص ۴۴۳.

۴. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۱۸۶، ۱۷۵؛ سبل الهدی، ج ۸،

ص ۴۴۳؛ التاريخ القويم، ج ۳، ص ۲۹۹.

▼ دوره امویان: در دوره‌ای که خلافت

اموی دچار بحران شده و ابن زبیر* خلافتش را در مکه (حک: ۶۳-۷۲ق.) اعلام کرد، او چند سالی، کاروان حج را سرپرستی می‌کرد.^۱ اما موسم حج غالباً با چند دستگی مواجه بود و گاه دو یا سه گروه دیگر، هر کدام پرچم خاص خود را در عرفات برافراشته و از نام و نشان خود دفاع می‌کردند.^۲ در این برهه از بحران خلافت، این تلقی که امارت حج به منزله دست یافتن به خلافت است، وجود داشت.^۳ به سبب اثرگذاری تبلیغات ابن زبیر بر حج‌گزاران، عبدالملک بن مروان چند سالی مانع حج شامیان شد و سعی کرد با ساختن قبة الصخره، توجه همگان را به مسجدالاقصی جلب کند.^۴ (← ابن زبیر)

بعد از سقوط ابن زبیر، عبدالملک در کسوت امیرالحاج، سیاست خود را در مکه به گوش مردم می‌رساند و با تهدید و ارباب، مردم را از عواقب نافرمانی برحذر می‌داشت.^۵ این تهدیدها گاه نتیجه عکس می‌داد و حتی اقدام امویان* در توسعه مسجدالنبی،

مسجدالحرام و کعبه، به سبب دین‌ستیزی علنی برخی از آن‌ها، با واکنش منفی مردم مواجه می‌شد.^۶ به هر روی، در گزارش‌ها، به برخی کارهای عهد امویان، مانند تعبیه جای توزیع آشامیدنی به حج‌گزاران^۷، برافروختن آتش برای حفظ اموال حج‌گزاران از دستبرد^۸، وقف سکونت‌گاه برای حاجیان^۹، ترمیم راه‌های حرمین و چاه‌ها اشاره شده است.^{۱۱} (← امویان)

درباره کاروان‌های حج گزار نواحی بیرون از جزیره العرب، باید گفت که گرچه خبر حج‌گزاری از عراق تازه فتح شده، به سال ۱۲قمری، می‌رسد^{۱۲}، اما کاروان اصلی حج از سمت شام، از سال‌های آغازین تثبیت خلافت امویان عازم می‌شد. این کاروان، در سال چهارم، با سرپرستی مغیره بن شعبه و سپس تا سال ۶۱، با سرپرستی کسانی از دستگاه اموی، چون عتبة بن ابوسفیان، معاویه، مروان حکم، سعید بن ابوالعاص، ولید بن عتبه و عثمان بن محمد،

۶. نک: تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۲۰۹.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۴.

۸. اخبار مکه، الازرقی، ج ۲، ص ۲۴۹.

۹. اخبار مکه، الازرقی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۱۰. اخبار مکه، الازرقی، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۹.

۱۱. تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۴۳۷.

۱۲. نک: تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۱. نک: تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۹۴؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۰۷.

۲. تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ اخبار الدولة العباسیه، ج ۱، ص ۱۰۷.

۳. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۹.

۴. البداية و النهایه، ج ۸، ص ۲۸۰.

۵. تاریخ خلیفه، ص ۱۷۱.

در ۱۳۶ق. جنبه سیاسی پررنگی داشت؛ زیرا او تأمین آب حاجیان، کمک به فقرا و هموار کردن راه حج را در کنار بیعت گرفتن برای ابوجعفر منصور، انجام می‌داد.^۸ مخالفان دستگاه عباسی نیز به اهمیت موقعیت حج در امور سیاسی واقف گشته و مخالفت‌های خود را در میان حج‌گزاران علنی می‌ساختند. اما بروز چندین شورش، عباسیان را به مراقبت بیشتر از حج‌گزاران واداشت.^۹ نیز آن‌ها از این‌که بنوحسن و بنوحسین بتوانند از اهل حجاز و حج‌گزاران بیعت بگیرند، وحشت داشته و مراقب اوضاع بودند.^{۱۰} گرچه در سده سوم قمری، بنی‌حسن سرانجام بر مکه مسلط شدند^{۱۱} و تا سده چهاردهم و به قدرت رسیدن آل سعود، حاکم آن‌جا بودند. (← اشراف حسنی، آل سعود)

از خلفای عباسی ابوجعفر منصور (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق.) شش بار، مهدی عباسی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ق.) دو بار و هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳) نه بار حج گزار شدند.^{۱۲} آن‌ها در موسم حج، از نزدیک، مشکلات حاجیان

روانه حج می‌شد.^۱ سال‌های بعد نیز کاروان حج شام، با مدیریت رجال حکومتی، خود خلفا و گاه کسانی از مخزومی‌ها فرستاده می‌شد.^۲ در این دوره که رجال سیاسی عهده‌دار امارت حج بودند، آن‌ها کمتر به مناسک آشنا بوده و از عالمان همراه کاروان، مناسک را می‌آموختند.^۳ در دوره امویان، خوارج گاه موسم حج را به صحنه اختلاف و تشنج می‌کشاندند؛^۴ از جمله چند سال متوالی، ابوحمزه خارجی، با حضور در موسم حج، حج‌گزاران را به شورش علیه بنی‌امیه واداشت.^۵ (← خوارج)

▼ دوره عباسیان: عباسیان^۶ بیشتر از امویان از نقش سیاسی حج، آگاهی داشتند. داعیان عباسی، با حضور در موسم حج، مردم را به بیعت با خلیفه عباسی فرامی‌خواندند.^۶ عباسیان، بعد از تثبیت خلافت، کسانی را مأمور یافتن بازماندگان بنی‌امیه میان حج‌گزاران می‌کردند.^۷ نیز حج ابومسلم خراسانی، سردار عباسیان،

۱. نک: المحبر، ص ۲۰-۳۳؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۷۱-۴۷۴؛ المورد، ش ۳۶، ص ۱۸۱، «تأریخ امراء الحج».
۲. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۱، ۳۴۸.
۳. نک: البداية و النهایه، ج ۹، ص ۳۲۴.
۴. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۳-۳۰۵.
۵. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۲۸۹؛ تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۳۷۴؛ تاریخ مکه، ص ۱۰۹.
۶. نک: تاریخ مختصر الدول، ص ۱۱۹.
۷. نک: مجمل التواریخ، ص ۳۲۳.

۸. الدرر الفرائد، ج ۲، ص ۳۷۵.

۹. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۰.

۱۰. البداية و النهایه، ج ۱۰، ص ۸۰.

۱۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۲۸.

۱۲. التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۵۳؛ التاریخ القویم، ج ۴، ص ۴۶۳.

را مشاهده می‌کردند.^۱ منصور عباسی* در راه حج و رفتن به مکه وفات یافت.^۲ هارون الرشید در موسم حج، در کمک مالی و توزیع صدقات میان اهالی حرمین، دست و دل بازی بسیار می‌کرد.^۳ در حوزه خدمت‌رسانی، خلفای عباسی، افزون بر توسعه مسجدالحرام،^۴ مسجدالنبی،^۵ کعبه،^۶ اماکن و مساجد مکه^۷ و مدینه، به حفر چاه و چشمه و ساخت آب‌انبار^۸ و خدمات رفاهی^۹ برای حج‌گزاران اقدام می‌کردند. همسران خلفا نیز در ساخت چشمه و آبرسانی به حج‌گزاران فعال بودند.^{۱۰} نیز منصب سقایت حاجیان، به طور سنتی، بر عهد خاندان بنی‌عباس بود.^{۱۱}

۱. تاریخ الفی، ج ۲، ص ۱۳۵۳.
۲. تاریخ الفی، ج ۲، ص ۱۲۹۴.
۳. نک: تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۲۳۴؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۷۳؛ المنتظم، ج ۸، ص ۳۳۱.
۴. اخبار مکه، الازرقی، ج ۲، ص ۷۹؛ الراج المسکی، ص ۱۶۴؛ التاريخ القويم، ج ۴، ص ۴۶۳.
۵. التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۶۵.
۶. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۲۲۵.
۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶۹؛ تاریخ مکه المشرفة، ج ۱، ص ۱۸۱؛ تحصیل المرام، ج ۱، ص ۵۲۵.
۸. الكامل فی التاريخ، ج ۶، ص ۵۵۵؛ تاریخ مکه، ص ۱۵۶.
۹. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۲۱۷.
۱۰. الراج المسکی، ص ۸۳؛ تحصیل المرام، ج ۲، ص ۶۱۰-۱۲؛ التاريخ القويم، ج ۵، ص ۳۵۴.
۱۱. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۱۲. نک: مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۶-۳۱۳.
۱۳. الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶.
۱۴. موسوعة العتبات المقدسه، ج ۲، ص ۱۹۷.
۱۵. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۹.
۱۶. الانباء، ص ۱۸۳.
۱۷. نک: المورد، ش ۳۶، ص ۱۷۹، «تاریخ امراء الحج».

گاه از علویان امیر الحاج برگزیده می‌شد^{۱۵}؛ از جمله ابواحمد موسوی، پدر سید رضی، که فردی توانا در ایجاد تفاهم میان کاروان عراق و مصر بود، مدت‌ها امیر حاج کاروان عراق و نقیب علویان شد.^{۱۶} با قدرت یافتن سلجوقیان*، امارت حج به سپاهیان توانمند واگذار شد^{۱۷} و از جمله برای نخستین بار در ۴۶۸ق. یکک امیر

در عین حال، به خصوص از اوایل سده چهارم، ناامن کردن راه از سوی قبایل، بیشترین اثر را در کاهش شمار حج‌گزاران داشت.

قرامطه^۵ سال‌های بسیار، راه حج را ناامن کرده، اموال حاجیان را غارت می‌کردند.^۶ در یک حمله، قرامطه حج‌گزاران بسیاری کشته و جنازه‌شان را در چاه زمزم ریخته و با ناامن کردن شهر مکه، حجرالاسود را به بحرین انتقال دادند.^۷ قبایل طی، بنوسلیم، بنوهلال و خفاجه، سال‌های متمادی به کاروان‌های حج‌گزاران حمله می‌کردند.^۸ از این رو در سده چهارم و پنجم، کاهش در شمار حج‌گزاران مناطق جهان اسلام از راه عراق، راه مصر و راه شام به چشم می‌خورد؛ زیرا منصب عمل الحرمین بیشتر به صحنه رقابت و اختلاف امیران محلی ایران و مصر و شریفان مکه بر سلطه بر الحرمین تبدیل شده بود. و زمینه را برای هجوم قرامطه به کاروان‌ها، فراهم ساخته بود.^۹ (← عمل الحرمین) در دوره آل بویه^{۱۰} (۳۲۰-۴۴۷ق.)، عضدالدوله،

ترک با نام خُطَّلَع بن کتکین امیر حاج شد.^۱ از امیران حاج توانمند دوره عباسی، بیشتر از طاشتکین یاد می‌شود که طی ۲۶ سال سرپرستی کاروان، مانع زورگویی اشراف مکه نسبت به حج‌گزاران شد.^۲ در سال‌هایی که خود خلیفه امیرالحجاج بود، معمولاً با آوردن هدایا و صدقات، موسم را به فصل پر رونق اقتصادی تبدیل می‌کرد و دل ساکنان حرمین را به حکومت متمایل می‌ساخت.^۳

نفوذ ایرانیان در دستگاه عباسی و گرفتن منصب امارت بر حجاز^۴ و منصب عمل الحرمین از عهد طاهریان (۲۰۵-۲۵۹ق.)^۵ به امنیت راه حج افزوده بود. ایرانیان، در کنار روانه کردن کاروان خراسان و حفظ امنیت آن، امنیت منزلگاه‌های مسیر را تا حرمین برقرار ساخته بودند. در این دوره، اهمیت کاروان خراسان تا آن جا بود که تأخیر آن، موجب فوت حج عراقیان می‌شد.^۶ (← ایران)

۱. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۸.

۲. البداية و النهایه، ج ۱۳، ص ۴۵؛ الارج المسکی، ص ۱۱۶، ۳۵۷؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۵۳۸.

۳. نک: تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۲۸۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۱۷۳؛ مرآة الحرمین، ج ۲، ص ۳۰۹.

۴. تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۵۱۱؛ الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۵۰۵-۵۰۶؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۳۱۶.

۵. تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۲۵۸.

۶. موسوعة مكة المكرمة، ج ۳، ص ۵۲۲.

۷. الانساب، ج ۶، ص ۵۷؛ المنتظم، ج ۱۳، ص ۴۹.

۸. معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۹. الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۵۷۴، ۶۴۷؛ ج ۹، ص ۲۲۶.

۱۰. تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۵۹۹-۶۰۰، ۶۵۲-۶۵۳؛ الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۵۰۶.

با اجرای اقدامات رفاهی و عمرانی، چون لغو مالیات راهداری، حفر چاه‌های آب مسیر مکه، هزینه پول در امور حرمین، بر اعتبار خود افزود.^۱ همچنین در این دوره، حاکم منطقه جبال که تابع آل بویه بود، تا سال‌ها امنیت کاروان خراسان و عراق را فراهم ساخت.^۲ اما با تضعیف آل بویه و بالاگرفتن راهزنی اعراب، برخی سال‌ها حج تعطیل می‌شد^۳ و محمود غزنوی هم که در پی گسترش قلمرو خود بود، تنها با اعتراض حج‌گزاران، به امور حج توجه کرد و امنیت راه حج را برقرار نمود.^۴ در این دوران گاه امیرالحاج کاروان خراسان و عراق را دو نفر بر عهده داشت؛ از جمله در ۴۱۵ق. کاروان خراسان، با سرپرستی حسنک* وزیر و کاروان عراق، با سرپرستی ابوالحسن افساسی علوی، مسیر بازگشت را آن دو از راه شام با موافقت خلیفه فاطمی برگزیدند که خلیفه عباسی را خشمگین ساخت و فرجام تلخی برایشان رقم زد.^۵ (← حسنک وزیر)

ورود طغرل سلجوقی (۴۳۱-۴۵۵ق.) به بغداد، به منظور بازگشایی راه حج، بعد از تعطیلی سی ساله کاروان عراق، اعلام شد.^۶ او اهدافی در موضوع حج داشت که مهلت اجرا نیافت.^۷ اما نظام‌الملک طوسی، سیاست تحقق نیافته طغرل را در اصلاح راه و تسهیلات برای حج‌گزاران عملی کرد. در زمان او، امور حج و بازسازی بناهای حرمین، سر و سامان گرفت و کاروان‌ها از خراسان و عراق به سمت حجاز راه می‌افتاد.^۸ ملک‌شاه سلجوقی نیز راه‌ها را تعمیر و امکانات رفاهی و استراحتگاهی برای کاروان‌ها ساخت.^۹ انتقال آب از عرفات به مکه در قنات قدیمی ساخته زییده، به فرمان ملک‌شاه سلجوقی محقق شد.^{۱۰} جواد اصفهانی، از صاحب منصبان موصل، که تابع سیاست‌های سلجوقیان بود، خدمات زیادی برای حج‌گزاران و حرمین انجام داد.^{۱۱} (← جواد اصفهانی)

۶. تاریخ دولة آل سلجوق، ص ۱۹؛ الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۶۰۹؛ تاریخ الاسلام، ج ۳۰، ص ۲۱-۲۲.
 ۷. المنتظم، ج ۱۴، ص ۲۳۹؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۴۴، ۴۴۶.
 ۸. راه حج، ص ۱۲۳-۱۲۴.
 ۹. طبقات الشافعیه، ج ۴، ص ۳۱۹؛ راه حج، ص ۱۲۴.
 ۱۰. وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۲۸۴-۲۸۵.
 ۱۱. العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۶۴؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۶.
 ۱۱. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۵۱۸.

۱. نک: الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۵۰۴-۵۰۷.
 ۲. تاریخ الاسلام، ج ۲۷، ص ۱۹؛ النجوم الزاهره، ج ۴، ص ۱۶۹.
 ۳. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۲۸-۴۳۳.
 ۴. الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۴۵۸؛ النجوم الزاهره، ج ۴، ص ۲۵۵-۲۵۶.
 ۵. الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۳۴۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۲۵۱؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۱۳۷-۱۳۹.

▼ **سده هفتم تا سیزدهم:** در این دوران، به خصوص بعد از تشکیل خلافت عثمانی (حک ۹۲۳-۱۳۴۲ ق.)، سه کاروان مهم روانه حج می‌شد:

۱. کاروان شرق (شامل حاجیان هند، آسیای میانه، ایران و عراق) از راه جبل و گاه از راه شام، راه مصر و در این اواخر از راه استانبول؛

۲. کاروان مصر؛

۳. کاروان شام که مورد حمایت ممالیک و سپس عثمانی بود و به سبب امکانات و گستردگی و شمار حاجیان‌اش، آن را از دیگر کاروان‌ها متمایز می‌کرد.

کاروان شرق، سال‌ها قبل و بعد از سقوط عباسیان، تعطیل شده بود^۱ و به سبب ناامنی راه یا مسلمان نشدن مغولان، امکان حج‌گزاری از سمت عراق مهیا نبود. عظاملک جوینی، حاکم عراق، با تلاش فراوان، از خان ایلخانی فرمان بازکردن راه حج عراق و شرق را گرفت.^۲ در عهد ایلخانی، باید دوره سلطان ابوسعید را که با ممالیک مصر روابط حسنه داشت و در مکه به نامش خطبه خوانده

قدرت گرفتن فاطمیان در مصر و سلطه آن‌ها بر حرمین^۱، اختلاف دامنه‌داری را میان آن‌ها و عباسیان پدید آورد.^۲ در این دوران، حج کاروان‌های شام و مصر و مغرب، گاه با مشکلاتی همراه بود.^۳ پیش‌تر نیز، سلطه اخشیدیان بر مصر و شام و حرمین و اختلاف با امیرالامرای بغداد، چند سالی حج این نواحی را به تعطیلی کشانده بود.^۴ مصریان با این که از سده چهارم، در نفوذ بر حرمین، در رقابت با ایران بودند^۵، به تدریج و با تثبیت خلافت فاطمیان، بر حرمین مسلط شدند. مقارن این دوران، مقدسی گزارش می‌داد که مصریان حجاز را آباد کرده و به موسم حج رونق داده‌اند.^۶ در میان حج‌گزاران مصر، مسلمانان مشتاق اندلس نیز حضور داشتند. آن‌ها برای در امان ماندن از خطرهای فراوان راه دریایی، به صورت خانوادگی، راهی بس دور و پر محنت را طی می‌کردند.^۷ (← اندلس)

۱. صبح الاعشى، ج ۸، ص ۲۷۲.

۲. نک: التنافس.

۳. الموجز فی تاریخ فلسطين السياسی، ص ۱۸۴.

۴. تاریخ مکه، ص ۱۷۴.

۵. تجارب الامم، ج ۶، ص ۱۹۵، ۳۴۳؛ الكامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۵۰۶، ۵۰۹.

۶. احسن التقاسیم، ص ۱۹۳.

۷. میراث اسپانای مسلمان، ج ۲، ص ۴۶۳.

۸. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۳۷۴؛ البداية و النهايه، ج ۱۳، ص ۱۸۲.

۹. الحوادث الجامعه، ص ۳۹۴؛ دین و دولت در ایران، ج ۲،

ص ۳۹۹-۴۰۰؛ نک: میقات حج، ش ۲۹، ص ۴۴؛ «احکام و

فرمانهای حج در دوره ایلخانی».

می‌شد، بهترین سال‌های حج شرق شمرد.^۱ بعد از مرگ او، ۱۱ سال حج، از سمت عراق تعطیل شد. (ابوسعید ایلخانی) در سال‌های تاخت و تاز تیمور لنگ در ایران و عراق، تنها در برخی سال‌ها، کاروانی کم‌شمار از سمت شرق، عازم حج می‌شد.^۲

در برهه‌هایی از عهد صفویه (حک ۹۰۷-۱۱۳۵ق.) به سبب اختلاف با عثمانی، حج‌گزاران شرق با سختی فراوان مواجه می‌شدند. در عهد شاه‌عباس اول، بعد از تصرف بغداد از سوی ایران در ۱۰۴۲ق، حکومت عثمانی در واکنش، اعلام کرد ایرانیان حق آمدن و انجام حج را ندارند.^۳ از سوی دیگر هنگام حضور حاجیان ایرانی در حرمین، به سبب نفوذ و تبلیغات عثمانی علیه صفویان و مردم ایران، دچار زحمت و رنج می‌شدند. گاه به بهانه تلویت کعبه، غوغایی به راه می‌افتاد و با هیاهو از قاضی و حاکم، فتوای اعدام فرد ایرانی شیعی را می‌گرفتند.^۴

(صفویان)

به جز دوره اندکی که با توافق نادرشاه و عثمانی، کاروان ایران و شرق به استقلالی

نیم‌بند دست یافته بود، دشمنی با حاجیان ایرانی و شیعی، تا دوران قاجاری و پهلوی، ادامه داشت و هر از چندی تب ایران‌آزاری در موسم حج عود می‌کرد. با پیدایش وهابیان، آزدن زائران ایرانی بیشتر هم شد؛ از جمله در عصر پهلوی، جوانی با نام ابوطالب یزدی را به اتهام تنجیس کعبه کشتند که با واکنش مردم و حکومت ایران مواجه شد.^۵ (ابوطالب یزدی) مهم‌تر از همه، در عهد جمهوری اسلامی ایران، اقدام حکومت سعودی در کشتار شماری از حاجیان ایران در سال ۱۳۶۱ش. که به جمعه خونین شهرت یافت، واکنش‌های بسیاری پدید آورد. (جمعه خونین)

بعد از انقلاب اسلامی ایران، فعال بودن بعثه جمهوری اسلامی ایران و ایجاد ارتباط با بعثه‌های دیگر، اجرای منظم برنامه برائت از مشرکان با تأکیدهای امام خمینی علیه‌السلام، برگزاری سخنرانی و مناظره و تعامل با حاجیان جهان اسلام، نشانه تحول و اثرگذاری حج ایران بر جهان اسلام است. (ایران)

کاروان مصر که به کاروان غرب شناخته می‌شد، در سده هفتم، مقارن قدرت یافتن ابوبیان در مصر، رونق خاص یافت. البته چند

۱. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲. الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳. «مبقات حج»، ش ۴، ص ۱۲۶، «حجاج شیعی در دوره صفویه».

۴. تاریخ امراء مکه، ص ۷۲۷-۷۳۱.

۵. نک: ابوطالب یزدی شهید مروه.

می شدند.^۷ در ۶۷۵ق. ظاهر بیبرس بُتقداری محمل و کسوه کعبه را از مصر تجهیز کرد.^۸ از این دوران، در مصر، دو کاروان با فاصله یک شبانه‌روز عازم حج می شدند. کاروان اول با فرماندهی امیرالحاج و کاروان دوم شامل محمل و تدارکات کامل در حمایت نظامیان، راه می پیمود و توجه مردمان میان راه را به خود جلب می کرد.^۹ (— مصر)

کاروان شام^{۱۰} هم با برپایی جشن، آماده حرکت و گذر از منزلگاه‌های بسیار شده و بعد از حدود ۴۰ روز، سفر خود را به انجام می رساند. این کاروان، اهمیت خود را از سده دهم و از دوره عثمانی به دست آورد.^{۱۱} عثمانیان با محمل‌های دیگر نواحی، در صورت تبعیت از محمل رومی (کاروان شام)، مخالفت نمی کردند. آن‌ها از استانبول، همراه محمل رومی، هدایای نقدی و غیر نقدی گسترده و چشمگیر خود را با عنوان صره^{۱۲} همایون برای اهالی حرمین فرستاده و ضمن توزیع، در نوشته‌ای گواهی اهالی حرمین به حمایت از

سالی بعد از سقوط عباسیان، پرده کعبه از یمن فرستاده می شد^۱ و حکومت یمن، حتی در برخی برهه‌ها، توان سلطه بر مکه و حجاز را در سر می پروراند.^۲ اما سال‌های متمادی، حج یمن به علل داخلی^۳ و نیز به سبب اختلاف با کاروان مصر، تعطیل می شد.^۴ تا این که در سده دهم هجری، تجهیز محمل یمن به رونق حج آن‌جا انجامید.^۵

خارج از قدرت محدود یمن، این مصر و کاروان مصر بود که به خصوص با قدرت یافتن ایوبیان، نفوذ خود را بر حرمین افزایش داد. سلاطین ایوبی و سپس ممالیک، حاکمان مکه را از اخذ مالیات از حج‌گزاران منع کردند و به این خواسته حاجیان اهتمام ویژه داشتند.^۶ ممالیک (حک: ۶۵۰-۹۲۲ق.) فرستادن محمل پرتجمل (با هزینه ۱۲۰ و حتی ۲۰۰ هزار دیناری) را که از سده چهارم رواج یافت بود، حق انحصاری خود تلقی کرده و با رفتن به حج، موجب تحول در حج‌گزاری

۱. التاريخ القويم، ج ۳، ص ۵۶۴.

۲. تاريخ مکه، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۳. اتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۴۲.

۴. اتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۳۱، ۴۰۸.

۵. التاريخ القويم، ج ۵، ص ۱۹۴؛ تاريخ مکه ص ۴۶۴؛ مرآة الحرمین، ج ۲، ص ۳۰۵.

۶. التحفة اللطیفة، ج ۲، ص ۳۸۲؛ النجوم الزاهرة، ج ۹، ص ۵۹؛ تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۴۴، ۷۴۹.

۷. منائح الکرّم، ج ۳، ص ۳۶؛ مرآة الحرمین، ج ۲، ص ۳۰۴؛ الملامح الجغرافیة، ص ۸۶-۸۸.

۸. المورد، ش ۳۶، ص ۱۸۰، «تاریخ امراء الحج».

۹. حسن المحاضرة، ج ۲، ص ۲۶۶؛ الملامح الجغرافیة، ص ۹۰-۹۱.

۱۰. الرحلة الحجازیة، ص ۱۴۰، «پاورقی»؛ تاريخ مکه، ص ۳۳۶.

سلطان را می‌گرفتند.^۱ در دوران متأخر، با پیوستن حاجیان هند، آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق و ترکیه از راه استانبول به کاروان شام، قافله‌ای بزرگ آماده و عازم حج می‌شد.^۲

در برخی سال‌های سده دوازدهم هجری، آمار حاجیان کاروان شام، به ۱۵/۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ نفر می‌رسید. این که گاه می‌بینیم این آمارها به ۸۶/۰۰۰، گاه ۷۰/۰۰۰ تا ۹۱/۰۰۰ گزارش شده، با احتساب حاجیان ترکیه، آسیای میانه، ایران و عراق است که خود را به کاروان شام رسانده‌اند. شمار حاجیان خود شام، به طور متوسط به ۲۰/۰۰۰ و گاه تا مرز ۴۰/۰۰۰ نفر رشد می‌کرد.^۳

در سده سیزدهم و چهاردهم از مغرب نیز کاروانی با گروهی نظامی، حاجیان را از شهر فاس، با جشن و شادی، حرکت داده و با طی مسیر از الجزایر، تونس، طرابلس خود را به کاروان مصر می‌رساندند.^۴ پیش‌تر نیز پاره‌ای از سلاطین افریقا و ملوک تکرور، با انجام

حج و توزیع ثروت در امور حج و حرمین، برای خود، شهرتی دست و پا کرده بودند.^۵

◀ حج‌گزاری معاصر: از سده ۱۳-۱۴ق.

۱۸۷-۱۹م. که اروپایی‌ها بر برخی کشورهای اسلامی سلطه یافتند، حج‌گزاران این نواحی، حج خود را با رنج و سختی بسیار انجام می‌دادند؛ زیرا حج که محل اجتماع مسلمانان بود، اروپایی‌ها را نسبت به شکل گرفتن قیام‌های ضد اروپایی بیناک می‌کرد.^۶ آنهایی که موفق به حج‌گزاری می‌شدند، در حرمین سکونت کرده و از راهنمایی عالمان حرمین بهره می‌بردند. این وضع، استعمارگران را به تأسیس کنسولگری در جده، به منظور مراقبت از رفتار و کردار حاجیان، واداشت.^۷

افزون بر استعمار، سیاست قرنطینه حاجیان که همواره با آزار آن‌ها همراه بود، در کاهش شمار حاجیان تا پایان سده نوزدهم مؤثر بود.^۸ از این رو و نیز به سبب سختی و دوری راه و ضعف وسایل نقلیه تا پیش از نیمه اول سده ۲۰م، آمار حج‌گزاران در هر سال، به بیش از صد هزار نفر نمی‌رسید.^۹ در عین حال،

۱. تاریخ امراء المدینه، ص ۳۲۴-۳۲۵؛ الرحلة الى مصر و السودان و الحبشه، ج ۱، ص ۵۴، ۱۸۶؛ الرحلة الحجازیه، ص ۳۵، ۴۵-۵۰.

۲. صفوة الاعتبار، ج ۲، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، ص ۷.

۳. دراسات تاريخیه، ش ۶، ص ۶ «قافله الحج الشامی و اهميتها فی العهد العثماني».

۴. مکه از دیدگاه جهانگردان، ص ۱۰۱.

۵. الدرر الفرائد، ج ۲، ص ۳۵۹-۳۶۰.

۶. صفحات من تاریخ مکه، ج ۲، ص ۵۷۲، ۵۸۱.

۷. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۹۸.

۸. الملامح الجغرافیه، ص ۲۱۵-۲۱۶؛ ضیوف الرحمن، ص ۸۳.

۹. المملكة العربية السعودية فی مائة عام، ج ۷، ص ۳۱۵.

حج‌گزاری مهم‌ترین کشورهای اسلامی، از جمله پاکستان، ترکیه، یمن، نیجریه، عراق، مصر، ایران و اندونزی اثرگذار بود.

رشد شدید شمار حج‌گزاران جهان اسلام، تنها بعد از نیمه سده بیستم / نیمه دوم سده چهاردهم رخ داد. بنا بر گزارشی، شمار حج‌گزاران سال ۱۳۸۵ق. بیش از ۲۹۴/۰۰۰ نفر ذکر شده است.^۴ آمار حاجیان ۱۳۹۰ در سنجش با آمار سال ۱۳۷۰ رشد فزاینده‌ای را نشان می‌دهد.^۵ در ۱۴۰۱ق. آمار حاجیان به بیش از نه برابر عدد سال ۱۳۸۵ق. رسید؛ زیرا ۸۷۹/۰۰۰ حاجی به مکه آمدند. در ۱۴۰۵ق. این تعداد به ۹۱۲/۰۰۰ رسید. این آمار که تنها شامل حج‌گزاران خارج از عربستان است، در ۱۴۱۵ق. به ۱/۴۰۲/۳۷۴ نفر رسید.^۶ حج‌گزاری این برهه‌ها، به خصوص در پاکستان، ترکیه، یمن شمالی، نیجریه، عراق و سپس مصر و ایران و اندونزی رشد فزاینده داشت.^۷

بعد از سال‌های ۱۹۸۸م. که سازمان کنفرانس اسلامی (همکاری اسلامی) طرح

در آغاز سده بیستم، با به کار افتادن ماشین‌های بخار و خط راه آهن، سفر حج سریع‌تر و ایمن‌تر شد و از جمله در هند، شمال افریقا و ایران، راه دریایی با ورود کشتی‌های اروپایی رواج یافته^۱ و در افزایش شمار حج‌گزاران مؤثر بود. بعد از جنگ جهانی دوم، حج‌گزاری روند روبه‌رو رشد داشت. البته این روند در دهه شصت کند شد، سپس در دهه هفتاد سرعت گرفت و در دهه نود دوباره کند شد. اختلاف میان ملی‌گرایی مصر دوره جمال عبدالناصر و عربستان را عامل کاهش حج‌گزاری در دهه شصت میلادی دانسته‌اند.^۲ در برخی مقاطع این سده، عواملی مانند بحران مالی شرق آسیا در ۱۹۹۸م، جنگ اعراب و اسرائیل و جنگ ایران و عراق، به کاهش حج، و عواملی مانند استقلال سیاسی بیشتر کشورهای اسلامی، به رشد چشمگیر حج انجامید.^۳ رشد حج‌گزاری بعد از به قدرت رسیدن ملک فیصل در عربستان، با پیش گرفتن سیاست تعامل با جهان اسلام، به اوج خود رسید. او نیز با دعوت از سران ممالک اسلامی برای انجام حج در رونق

۴. مکتب اسلام، س ۱۳۴۶ش، ش ۶ ص ۱۶، «تعداد افراد شرکت

کننده در کنگره جهانی مسلمانان».

۵. نک: الامن العالم، ش ۷۶، ص ۱۶-۱۷، «شرطة الحرم».

۶. المملكة العربية السعودية في مائة عام، ج ۷، ص ۳۱۵.

۷. نک: ضیوف الرحمن، ص ۸۷.

۱. سفرنامه میرزا داوود وزیر وظایف، ص ۴۴-۴۵: راه حج، ص ۲۰۵.

۲. ضیوف الرحمن، ص ۸۵-۸۶.

۳. ضیوف الرحمن، ص ۸۵.

سه‌میه‌بندی حج را پیش گرفت، روند حج‌گزاری کاهش یافت. طبق تصمیم این سازمان، مبنی بر اعزام شمار مشخصی حج‌گزار به نسبت جمعیت هر کشور، شمار حج‌گزاران در هر میلیون مسلمان، هزار نفر اعلام شد. از این رو میزان حج‌گزاران سال ۱۹۹۰م. به یک میلیون و در ۲۰۰۳م. به یک میلیون و سیصد هزار نفر رسید.^۱ در این سال‌ها حج‌گزاری از اروپا هم رواج بیشتری یافت و هر ساله شمار زیادی از مسلمانان فرانسه، آلمان و اتریش و دیگر کشورهای اروپایی، خود را به مکه می‌رسانند.^۲

◀ **راه‌های حج:** حاجیان از شهرهای دور و نزدیک بهم می‌پیوستند و خود را به راه حج رسانده و سپس با راهنمایی امیرالحاج، حرکت خود را ادامه می‌دادند. اما راه داخلی و مسیری که در هر منطقه طی می‌شود تا به کاروان اصلی برسد، در شمار راه اصلی حج ذکر نمی‌شود.^۳ در گذشته، معرفی کردن راه‌های حج خراسان، مصر، مغرب و یمن و مناطق با فاصله زیاد از حرمین، در قالب سفرنامه‌نویسی، کتب مسالک و ممالک و کتب منازل الحج

رواج داشته و ضمن آن از امکانات، وضع آب، کاروانسراها، قلعه‌ها و برقراری امنیت هر راه سخن می‌رفته است.^۴ برخی، شمار راه‌های حج را هفت مورد، برخی هم کمتر دانسته‌اند. در منابع سده سوم راه بغداد، راه کوفه، راه یمامه، راه یمن، راه حضرموت، راه مصر، راه شام، راه طائف و راه جده، مسیرهای اصلی حج جهان اسلام معرفی شده‌اند.^۵ راه حج ابعاد و آثار دینی، اقتصادی و فرهنگی هم داشت؛ زیرا در این راه‌ها، علم گسترش می‌یافت و دانشوران از همدیگر می‌آموختند و به انتقال دانش در شهرهای میان راه کمک می‌کردند.

◀ **وسایل حمل و نقل:** حج‌گزاری همواره با مرکب‌های متناسب هر دوره انجام می‌شده است. تحول در وسایل حمل و نقل راه، از تفاوت‌های حج‌گزاری ادوار مختلف دانسته‌اند.^۶ وسایل حمل و نقل در گذشته، چون تابع تولید و اقتصاد زمانه خود بوده و دگرگونی ابزار تولیدی روند کنندی داشته، کمتر با تحولات بنیادین مواجه بوده است. معمولاً در گذشته، ابزار اصلی حمل و نقل در شتر، اسب، قاطر، الاغ و گاو خلاصه می‌شد. با این‌که استفاده معمول حاجیان از وسایل

۱. ضیوف الرحمن، ص ۸۶-۸۷.

۲. حج، ۲۸، ۳۱۳: حج ۲۶، ص ۴۷۵، ۴۷۸.

۳. نک: الملامح الجغرافیه.

۴. نک: الدرر الفرائد المنظمه، ج ۲، ص ۴۳-۲۸۴.

۵. المناسک، ص ۵۴۳-۶۵۷: الاعلاق النفیسه، ص ۱۷۴-۱۸۴.

۶. التاريخ القويم، ج ۲، ص ۳۲۱.

سختی را دوچندان می‌کرد. برخی از کارشناسان امور حج، از مشخصات شتران مورد استفاده حاجیان خبر داده‌اند.^۵ کرایه کردن شتر هزینه بسیار داشت.

در ادواری که تزیین شتران رواج داشت، کجاوه‌ها و محمل‌های تزیینی نهاده بر شتران، حرکتی چونان حرکت قطار به چشم می‌آمد. کجاوه جمیله بنت ناصرالدوله و کجاوه شجرة الدر نمونه‌هایی از این نوع شتران تزیین شده است.^۶ گاه اصل کجاوه‌ها و تزیین آن با مخالفت برخی فقیهان مواجه می‌شد.^۷

در دوره اسلامی زنان و بیماران که سوار شدن بر شتران را بر خود دشوار می‌دیدند، کجاوه‌ای شبیه اتاقکی کوچک بر پشت ستوران (هودج، عمار) نهاده و گاه به صورت تخت روان، بسته میان دو ستور، استفاده می‌کردند. اما استفاده از ارابه چرخدار در امر حج‌گزاری رواج نداشت. در گزارشی، سفر حج ابراهیم بن مظهر کاتب، از شخصیت‌های عهد عباسی در ۲۴۲ق. از بصره را بر ارابه‌ای توصیف کرده‌اند که شتران، آن را می‌کشیدند و مردم از دیدن وسیله مذکور

محلی و حیوانات بومی مناطق خود بوده، اما با نزدیک شدن به جزیره‌العرب، از شتر استفاده می‌کردند. معمولاً شتر را نشانه حج رفتن و حاجی بودن می‌دانستند و حاجی می‌بایست بر شتر سوار شود.^۱ برخی شترها، به سبب توان و چابکی بیشتر، بر گونه‌های دیگر ترجیح داده می‌شد. اهل بادیه با گله‌های شتران، خود را به راه‌های اصلی کاروان رو رسانده و هر شترداری، بخشی از حاجیان را با طی منزلگاه‌ها از ینبع یا جده به سمت مکه، منا، مزدلفه و عرفات و سپس در بازگشت با رفتن به مدینه، حمل و انتقال می‌دادند.^۲

شتران کجاوه دار از وسایل معمول انتقال مسافران بود. برای در امان ماندن از گرما، حاجیان بر شتران سایبان نهاده، با آرامش مسیر را طی می‌کردند. روی یک نوع از این شتران، با نام شقادف، دو تخت همتراز با سایبانی پوشیده، وجود داشت که برای نشستن دو نفر روبه‌روی هم کفایت می‌کرد.^۳

با این‌که امیرالحجاج وظیفه داشت از مکان‌های عبور، اطلاع درستی داشته باشد^۴، اما راه بردن مرکب‌های باربر از گردنه‌ها،

۱. طهران قدیم، ج ۳، ص ۴۵۵.

۲. تاریخ القویم، ج ۱، ص ۳۰۵.

۳. تاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۸۹.

۴. الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۵. الدرر الفرائد، ج ۲، ص ۲۲-۲۶.

۶. النجوم الزاهره، ج ۴، ص ۱۲۶؛ تاریخ القویم، ج ۲، ص ۳۲۲، ج ۳،

ص ۱۸۹؛ الازهر فی الف عام، ج ۳، ص ۱۰۴.

۷. تاریخ القویم، ج ۵، ص ۳۰۰؛ الازهر فی الف عام، ج ۲، ص ۱۰۴.

شگفت‌زده شده بودند.^۱

در ایران از عهد فتحعلی‌شاه قاجار که راه‌ها و جاده‌های هموار و شوسه ایجاد شد و سیستم پست و چاپارخانه تأسیس گردید، استفاده از گاری، کالسکه و دلیجان و دیگر وسایل چرخدار رواج یافت. ثروتمندان با این وسایل، سفر خود را با سرعت و آرامش بیشتری تجربه می‌کردند و با طی کردن راه‌های داخلی ایران، خود را به مرزها رسانده و سپس به کاروان می‌پیوستند.^۲

با ورود کشتی‌های بزرگ اروپایی به آب‌های دریای سرخ و اقیانوس هند، تحولی مهم در وسایل حمل و نقل رخ داد. بعد از استقرار و تسلط اروپایی‌ها بر مناطقی از آسیا و آفریقا، راه دریایی از پر رفت و آمدترین راه‌ها شد. راه دریایی در گذشته، به سبب کوچک و نامناسب بودن کشتی‌ها پر مخاطره بود و انتخاب اول حج‌گزاران نبود. کشتی‌های بزرگ اروپایی، هم در استعمار و غارت اموال مسلمانان به کار می‌آمدند و هم برای حج‌گزاران مسیرهای دور، کارایی داشتند. در بنادر هند، انبوهی از گاری‌ها و درشکه‌ها، حمل و نقل حج‌گزاران و وسایلشان به محل

کشتی‌ها را عهده‌دار می‌شدند.^۳ حج‌گزاران هند که بر کشتی‌های پستی و تجاری سوار می‌شدند، در مواقع بسیار، دچار طوفان و مصائب فراوانی می‌شدند.^۴ در عین این سختی‌ها، آن‌ها با عبور دادن خود و کالاهایشان از دریای سرخ و رسیدن به جده و حرمین، موجب رشد اقتصادی حجاز می‌شدند. شریفان مکه با بستن مالیات بر حج‌گزاران هند، در جهت تصاحب بخشی از این اموال تلاش می‌کردند.^۵

مسافرت با کشتی، با این که در سرعت و کاهش هزینه به سود حاجیان بود، اما معضلاتی چون باری بودن کشتی‌ها، اروپایی و غیر مسلمان بودن خدمه و بی‌حرمتی کردن به مسلمانان، کثرت مسافران، آلودگی محیط و شیوع بیماری‌ها و طوفان‌های شدید و قرنطینه، موجب آزار و رنج حاجیان می‌شد.^۶

تحول دوم با تأسیس راه آهن دمشق به حجاز در ۱۹۰۸م. پدید آمد. این خط که در دوره عثمانی و با اجرای مهندسان آلمانی صورت گرفت، در گسترش حج‌گزاری از

۳. نک: خاطرات سفر مکه هدایتی، ص ۷۵.

۴. نک: خاطرات سفر مکه هدایتی، ص ۸۱-۸۵.

۵. اتحاف الوری، ج ۴، ص ۴۳.

۶. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۶۶۳ «سفرنامه ظهیرالملک»، ص ۲۵۵؛

پنجاه سفرنامه، ج ۶، ص ۲۴۳، «سفرنامه ملاابراهیم کازونی».

۱. المنتظم، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ النجوم الزاهره، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. چاپارخانه‌ها، ج ۱، ص ۶۰.

معاصر، سفر حج از راه زمینی، راه دریایی و هوایی فراهم است. اما معمولاً راه هوایی که آسانی و آرامش بیشتر دارد، انتخاب نخست حج‌گزاران جهان اسلام، به خصوص حج، از سرزمین‌های دور است.

◀ **مشکلات حج:** حج‌گزاری در گذشته، به خصوص از راه‌های دور، بسیار سخت بود و مشکلات فراوان داشت که گاه موجب تعطیلی حج می‌شد و در کاهش شمار حج‌گزاران اثرگذار بود.^۳ پاره‌ای از این مشکلات، جنبه منطقه‌ای و محلی داشت و پاره‌ای دیگر، همه‌گیر بود. مشکل اخذ مالیات در بنادر مصر تا جده که شامل حاجیان نواحی غرب اسلامی می‌شد، مایه آزار آن‌ها می‌شد.^۴ حتی در گزارشی اغراق‌آمیز گفته می‌شد، به خوردن آب نیل، مالیات تعلق می‌گرفت.^۵ به فرامین سلاطین به متولیان بنادر و شرفای مکه و قول جبران ارزاق عمومی حرمین^۶، کمتر جامه عمل پوشانده می‌شد.^۷ توجه متولیان این بود که مالیات برای تعمیر و اصلاح راه‌ها و

راه‌های دور اثر گذاشت.^۱ در همین دوران‌ها، در سمت شمال ایران، جنوب روسیه، قفقاز و باکو، خط راه آهن، حج‌گزاران مسلمان را از این سرزمین‌ها به دریای سیاه می‌رساند و باقیمانده راه را با کشتی یا با رفتن به راه آهن دمشق طی می‌کردند.^۲ گذر از بصره به بغداد، از باکو به تفلیس و سپس باطوم، از اسکندریه به قاهره و سوئز، از معروف‌ترین راه‌های قطار در حج‌گزاری است. اهمیت پیدایش قطار، افزون بر امنیت و راحتی، در سرعت آن بود؛ به گونه‌ای که حج‌گزاران سفر بیش از یک ماه خود را در ۴ روز به پایان می‌رساندند.

بزرگ‌ترین تحول در امر نقل و انتقال حج‌گزاران، پدید آمدن هواپیما بود. سرعت، راحتی و آرامش حاصل از سفر با هواپیما، با وسایل حمل و نقل گذشته قابل قیاس نیست. بسیاری از مشکلات ناشی از سفر با شتر و حیوانات و کشتی و راه آهن، با این وسیله نقلیه از بین رفته و دغدغه‌های حج‌گزاران را کاهش داده است. فراگیر بودن این وسیله نقلیه برای همه کشورها و مناطق، باعث رونق و رشد اساسی در آمار حج‌گزاران شده است. سفر با هواپیما، حج‌گزاری از همه قاره‌های جهان را امکان‌پذیر ساخته است. در دوران

۱. مسیحیون فی مکه، ص ۲۵۶.

۲. نک: سفرنامه میرزا داوود وزیر وظایف، ص ۴۴، ۵۶-۷۰.

۳. اتحاف الوری، ج ۱، ص ۳۳۳.

۴. الرحلات المغربیه و الاندلسیه، ص ۱۴۵؛ تاریخ مکه، ص ۲۲۴، ۲۴۲.

۵. رحلة ابن جبیر، ص ۳۹؛ التاريخ القویم، ج ۲، ص ۲۲۱؛ الرحلات المغربیه و الاندلسیه، ص ۱۹۳.

۶. الرحلات المغربیه و الاندلسیه، ص ۱۹۳.

۷. الملامح الجغرافیه، ص ۱۰۳.

حفظ امنیت است.^۱ مشکل ناامنی و دستبرد زدن به کاروان، همه جا به چشم می‌خورد،^۲ اما در راه‌های منتهی به حرمین، بیشتر بود.^۳

مشکل عمومی دیگر، اختلاف کاروان مصر و عراق و گاه جنگ و نزاع بین آن‌ها بود. از سده سوم تا دوران متأخر، هر از گاه در موسم حج، میان این دو کاروان شرق و غرب اسلامی درگیری رخ می‌داد و آزار و رنج حجاجان را موجب می‌شد.^۴

مشکلات طبیعی و دیر شدن موسم هم، گاه موجب تعطیلی حج می‌شد.^۵ گاه ناآگاهی از تنظیم زمان، یا به سبب گم کردن راه و به موقع نرسیدن کاروان، مردمان را مجبور به بازگشت بدون انجام مناسک می‌کرد.^۶

مشکلاتی از قبیل کمبود آب در منزلگاه‌ها، انهدام چاه‌ها، وقوع طوفان، سیل و سرمای شدید، سختی‌های راه دریایی، گرانی و کمبود ارزاق عمومی، قحطی و نابسامانی، از مشکلات تحمل‌ناپذیر سفر حج بود.^۷ در

برخی سال‌ها بعد از موسم، سفر زیارتی به مدینه، به سبب کمبود آب، ناتمام می‌ماند.^۸ به سبب عمومیت مشکل کمبود آب، بسیاری از اقدامات رفاهی افراد متمکن، در رفع کم‌آبی و خشکی چاه‌ها بوده است.^۹

در بسیاری مواقع، بر اثر گرما و سرما و شرایط اقلیمی متنوع، حج‌گزاران دچار بیماری می‌شدند که گاه موجب سرایت و انتقال به دیگران هم شده، شرایط بر همگان سخت می‌شد.^{۱۰} بارها به سبب وجود بیماری و با، حج‌گزاری مردم مختل می‌شد؛ مثلاً در ۳۵۷ق. به سبب و با، بیشتر مردم نتوانستند به مراسم حج برسند و حج آن‌ها فوت شد.^{۱۱} یا در سال ۴۲۳ق. وقوع و با سراسر شرق، از هند و خراسان تا عراق، را فراگرفت و کاروانی به حج اعزام نشد.^{۱۲} گاه منشأ طاعون شیوع یافته در مکه را در هند جست‌وجو می‌کردند.^{۱۳}

در سده نوزدهم میلادی، کارشناسان اروپایی، توجه عموم را به سرایت بیماری‌ها از راه آب و هوا جلب کردند و با قرنطینه

۱. نک: تاریخ مکه، ص ۲۶۵.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۰.

۳. آثار عجم، ج ۱، ص ۷۳: التدوین، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴. اتحاف الوری، ج ۱، ص ۳۲۸.

۵. اتحاف الوری، ج ۱، ص ۳۳۷.

۶. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۱۱.

۷. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۱۳؛ ج ۳، ص ۷۱۴: تاریخ القویوم، ج ۳،

ص ۳۷۳؛ خزانه التواریخ النجدیه، ج ۱، ص ۲۲۸.

۸. المنتظم، ج ۱۸، ص ۵۷.

۹. شذرات الذهب، ج ۷، ص ۲۴۵: سبل الهدی، ج ۱، ص ۲۶۲.

۱۰. الرحلة الحجازیه المسماة الارتسامات اللطاف، ص ۱۴۸.

۱۱. التدوین، ج ۱، ص ۱۶۹.

۱۲. نک: المنتظم، ج ۱۵، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۱۳. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۴، ص ۹۸۶.

تلاش برای ثبت و گزارش رخداد‌های موسم مورد اهتمام نویسندگان و آشنایان به راه حج بود.^۵

آخرین نمونه از این وقایع که در سال ۱۳۹۴ ش. به وقع پیوست، فاجعه کشته شدن هزاران تن از حاجیان در ازدحام به وجود آمده در مسیر حرکت به منا بود که در اثر سوء مدیریت و بستن یکی از خیابان‌های منتهی به منا ایجاد شد. در این واقعه ۴۶۱ تن از حاجیان ایرانی جان خود را از دست دادند.

◀ **تسهیلات امور حج:** موسم حج به طور سنتی یک فصل تجاری و پر رونق اقتصادی بود. پیش از اسلام، بازارهای برپا شده عکاظ، نشانه اهمیت خرید و فروش کالا در موسم حج بود و قرآن هم در سوره حج/۲۸ به آن اشاره صریح کرده است. بازار کالا و تجارت، تنها منحصر در حرمین نبود و همواره در منزلگاه‌ها و شهرهای میان راه، بازاری پر رونق بر پا می‌شد و حاجیان در رفت و برگشت، کار بازرگانی خود را در آن جا سامان داده و کالا خرید و فروش می‌کردند.^۶

یکی از امور مشترک میان همه کاروان‌های اعزامی، در غرب و شرق جهان اسلام، به

حاجیان، مانع شیوع آن شدند. در سال ۱۸۵۸ م. به دنبال شیوع وبای کولیرا، بسیاری از حج‌گزاران، با گریختن به مصر، در القصیر قرنطینه شدند. با گسترش راه دریایی، مراکز بهداشتی متعددی در مصر و تبوک، برای پیشگیری از انتقال بیماری احتمالی از راه شام ساخته شد. در ۱۲۸۹ ق. به دنبال شیوع وبا در مدینه منوره، مرکزی برای کنترل و قرنطینه در منطقه زاهر مکه ساخته شد.^۱ عبور از برخی بنادر و سوار شدن بر کشتی، جز با گرفتن ورقه آبله‌کوبی، ممکن نبود.^۲

در دوران معاصر نیز اتفاق‌های ناگوار به کرات در موسم حج به وقوع می‌پیوست. در یک مورد ۲/۷۰۰ نفر در منا کشته شدند. در ۱۹۹۷ م. هفتاد هزار خیمه آتش گرفت و ۳۴۳ نفر قربانی گرفت و ۱/۵۰۰ نفر مجروح شدند. در ۱۴۰۷ ق./ ۱۹۸۷ م. حادثه جمعه خونین رخ داد و ۴۰۲ نفر از ایرانیان کشته شدند.^۳ درباره این رخداد، هیئت کبار العلماء عربستان، به جای عذرخواهی، به توجیه و مقصر اعلام کردن حاجیان ایرانی پرداخت.^۴

۱. تاریخ مکه، ص ۱۶۶؛ الملامح الجغرافیه، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۲. خاطرات سفر مکه، ص ۷۰-۷۳.

۳. ضیوف الرحمن، ص ۳۰-۳۱.

۴. البحوث الاسلامیه، ش ۲۰، ص ۳۱۸، «بیانیه هیئت کبار العلماء حول الشعب اللتی قامر بها...».

۵. الدرر الفرائد، ج ۱، ص ۷۰۴-۷۳۳.

۶. الملامح الجغرافیه، ص ۱۱-۱۲.

همراه آوردن صدقات، نفقات، هدایا و اموال برای شریفان، عالمان، مجاوران و فقیران یا عموم ساکنان حریم بود.^۱ در این میان اموال ارسالی سلاطین، خلفا و بزرگان، بیشتر از دیگر هدایا بود.^۲ صرة النقود، حاوی اموال و صدقات ارسالی خلفا و امراء، رسمی در کمک مالی به حریم بود که از دوره عباسیان آغاز، و در عهد عثمانی رشد قابل توجهی کرد.^۳ بالطبع در سال حج‌گزاری خود خلفا، سلاطین، شاهزادگان و امیران، بیشترین هدایا میان حج‌گزاران و ساکنان حریم تقسیم می‌شد.^۴

به نظر می‌رسد بسیاری کمک‌ها و اموال ارسالی خلفا و امرا کاملاً جنبه سیاسی داشت^۵ و بسیاری برای تفوق بر رقیبان، ثروت بیشتری در اماکن مقدس هزینه می‌کردند.^۶ کسان بسیاری با این که خود عازم حج نمی‌شدند، همواره هدایا و اموال خود را به

رؤسای کاروان‌ها و فرمانده محمل سپرده یا در اختیار حاجیان آشنا گذاشته تا در محل مخصوص آن مصرف گردد.^۷ کالاهای و کمک‌های مالی، از شهرهای مختلف، به همراه محمل فرستاده می‌شد.^۸ در این میان اموال اهدایی بازرگانان، فرماندهان، و ثروتمندان، مبالغ چشمگیری را شامل می‌شد.^۹ اموال و هدایا، با حفاظت گروه نظامی به مکه می‌رسید و در جلسه‌ای با حضور بزرگان، عالمان و رؤسای حریم، در دفاتر مخصوص، با ذکر جزئیات نوشته می‌شد و از حاضران گواهی وصول گرفته می‌شد. سپس این گواهی به رؤیت سلطان وقت می‌رسید.^{۱۰} این اموال فراوان، موجی از شادی و رفاه را برای اهالی حریم فراهم می‌ساخت.^{۱۱} نیز در طول سال، سرانه مشخصی برای ساکنان حریم فرستاده می‌شد.^{۱۲}

سنت وقف و خدمات عام المنفعه در امور حج و حریم هم رواج بسیار داشته و از سنت‌های مورد اهتمام مسلمانان است. تنها

۱. نک: تاریخ الاسلام، ج ۱۸، ص ۱۷؛ البداية و النهايه، ج ۱۰، ص ۱۲۲؛ ج ۱۱، ص ۳۵۴؛ ج ۱۳، ص ۱۳۷.
 ۲. الارج المسکی، ص ۲۰۲؛ حسن المحاضره، ج ۲، ص ۱۰۴؛ تاریخ القويم، ج ۲، ص ۲۹۰.
 ۳. تاریخ القويم، ج ۳، ص ۵۱.
 ۴. الارج المسکی، ص ۲۰۲؛ تاریخ مکه، ص ۱۹۶.
 ۵. نک: تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۲۸۵؛ الكامل فی التاريخ، ج ۶، ص ۱۷۳.
 ۶. نک: البداية و النهايه، ج ۱۲، ص ۹۹؛ المنتظم، ج ۱۱، ص ۳۴۱.

۷. تاریخ القويم، ج ۱، ص ۵۱۷.
 ۸. الملامح الجغرافيه، ص ۸۶.
 ۹. نک: المنتظم، ج ۱۱، ص ۱۶۰؛ التحفة اللطيفه، ج ۲، ص ۴۹۶؛ شذرات الذهب، ج ۹، ص ۳۲۳؛ ج ۱۰، ص ۱۰۶.
 ۱۰. الارج المسکی، ص ۲۰۳-۲۰۵؛ الجواهر الثمينه، ص ۲۰۹.
 ۱۱. نک: تاریخ القويم، ج ۱، ص ۵۱۷.
 ۱۲. تاریخ القويم، ج ۵، ص ۲۳۴؛ تاریخ مکه، ص ۴۶۲.

امور حج و حرمین از اهل ذمه می‌گرفتند.^۶ بررسی موارد وقف برای حرمین نشان می‌دهد که از لحاظ جغرافیایی، تنوع وسیعی در این وقف‌ها وجود دارد. از این رو نام اوقاف فراوانی در کشورهای مختلف اسلامی از افریقا، الجزایر، شام و فلسطین، مغرب، هند، یمن، تونس، لیبی، ایران، مصر و ترکیه، به خصوص در عهد عثمانی، ذکر شده که برای امور حج و حرمین اختصاص یافته بود.^۷

وقف در امور حج و حرمین در همه جا، یکسان مورد اهتمام نبود؛ در مصر و شام، صاحبان ثروت و مکتب به فراهم کردن وسایل حاجیان سرزمین خود اهتمام می‌کردند، ما در مغرب و اندلس این اهتمام به چشم نمی‌خورد.^۸ مهم‌ترین مصارف اوقاف به اصلاح چاه‌های میان راه و حرمین، ساخت کاروانسراها و قلعه‌های نظامی، ساخت منزلگاه میان راه، ساخت سکونت‌گاه در حرمین، تهیه طعام و آب، تعمیر مسجدها و مکان‌های حرمین و کمک مالی به ساکنان حرمین اختصاص داشت.^۹

۶. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۵۲۳؛ الرحلة الحجازیه، ص ۲۷.
 ۷. التاريخ القويم، ج ۵، ص ۱۹۳؛ نک: موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة، ج ۴، ص ۱۳۷-۲۰۹، «اوقاف الحرمین الشریفین».

۸. نک: رحالة الغرب، ص ۲۶۵-۲۶۸.

۹. نک: الاعلام باعلام بيت الله الحرام، ص ۲۹۳.

بررسی فهرستی از زمین‌ها، املاک، باغات و بستان‌هایی که محصولاتشان وقف امور حج و حرمین می‌شد، نشان دهنده کثرت کارهای عام المنفعة در مسئله حج است.^۱

اشخاص و بازرگانان بسیاری ثروت‌های هنگفت در تعمیر کعبه و مساجد حرمین هزینه کرده‌اند؛ برای مثال از شمار نیکوکاران ایرانی می‌توان به ابونصر استرآبادی اشاره کرد که در ۴۶۶ق. سی هزار دینار را صرف مساجد مکه کرد.^۲ همچنین ابوالقاسم رامشت در ۵۳۲ق. ثروت زیادی هزینه کرده کعبه کرد و کاروانسرای در ۵۳۷ق. در نزدیکی باب الحزوره مسجدالحرام ساخت.^۳ همچنین صاحب منصبانی چون جمال‌الدین اصفهانی و امیر چویان قابل ذکرند که پول‌های هنگفت صرف امور حج و حرمین می‌کردند.^۴ بیشترین گزارش‌های وقف در امور حرمین، به زمین‌های مصر ارتباط دارد.^۵ برخی سلاطین مصر، نوع خاصی از اوقاف را به نام جالیه برای

۱. نک: الارح المسکی، ص ۲۰۰-۲۰۳.

۲. العقد الثمین، ج ۱، ص ۲۶۱؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۶.

۳. شفاء العرام، ج ۱، ص ۱۶۷؛ العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۸۵؛ اتحاف الوری، ج ۱، ص ۲۷۵.

۴. اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۸۱-۱۸۵؛ معالم المدينة المنورة، ج ۵، ص ۳۸۶.

۵. نک: الرحلة الی مصر و السودان و الحبشه، ج ۱، ص ۱۸۱؛ الرحلة الحجازیه، ص ۳۷.

خدمت‌رسانی به حاجیان و زائران، گاه شکل ملی و محلی داشت؛ از جمله جواد اصفهانی کاروانسرای برای زائران ایرانی در مدینه ساخت.^۱ بدر حسنویه، پولی بابت تعمیر پای‌افزار و نعل اسب حاجیان ایرانی به صنعتگران شهرهای میان راه داده بود. (← بدر بن حسنویه) چنین متمکنانی در مصر، شام، هند، ترکیه و مناطق دیگر، خدمات عام المنفعه برای حاجیان و ساکنان حرمین انجام می‌دادند.^۲ در مصر از عهد فاطمیان، ایوبیان و سپس ممالیک، کمک و فرستادن نفقات و کالا برای اهالی حرمین رواج داشت، اما در عهد عثمانی اختصاص پول و کمک به امور حج و حرمین رشد فزاینده‌ای یافت.^۳

◀ منابع

آثار عجم: محمد نصیر بن جعفر فرصت شیرازی، به کوشش منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ش؛ ابوطالب یزدی شهید مروه: سید علی قاضی‌عسکر، تهران،

۱. بهجة النفوس، ج ۱، ص ۵۴۳؛ تاریخ مکه المشرفة، ج ۱، ص ۲۹۱.
۲. نک: التحفة اللطیفة، ج ۲، ص ۴۹۶؛ الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۲۳۷؛ التاريخ القويم، ج ۱، ص ۵۱۷.
۳. الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۲۹۱-۲۹۳، ۳۳۴-۳۳۶، ۳۵۷؛ مرآة الحرمین، ج ۲، ص ۳۱۰؛ موسوعة مرآة الحرمین، ج ۲، ص ۵۸۸.

مشعر، ۱۳۸۴؛ اتحاف الوری: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعة ام القرى، ۱۴۰۸ق؛ اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء: احمد بن علی المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش جمال‌الدین الشیال، قاهره، احیاء التراث الاسلامیه، بی‌تا؛ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم: محمد بن احمد المقدسی (م. ۳۸۰ق.)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ق؛ اخبار الدولة العباسیه و فیہ اخبار العباس و ولده: مؤلف ناشناس (قرن ۳ق.)، به کوشش عبدالعزیز السدوری و عبدالجبار المطلیبی، بیروت، دار الطلیعہ، ۱۳۹۱ق؛ اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه: محمد بن اسحق الفاکهی (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار: محمد بن عبدالله الارزقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح ملحس، مکه، دار الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ ادام القوت فی ذکر بلدان حضر موت: عبدالرحمان بن عبیدالله السقاف، به کوشش محمد مصطفی باذیب و محمد ابوبکر الخطیب، بیروت، دار المنهاج، ۱۴۲۵ق؛ الارج المسکی فی التاریخ المکی: علی بن عبدالقادر الطبری (م. ۱۰۷۰ق.)، تصحیح اشرف احمد جمال، مکه، مکتبه التجاریه، ۱۴۱۶ق؛ اردبیل در گذرگاه تاریخ: بابا صفری، اردبیل، دانشگاه آزاد اردبیل، ۱۳۷۰ش؛ الازهر فی السف عام: محمد عبدالمنعم خفاجی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸ش؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب: یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۳۶۸-۴۶۳ق.)، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ الاعلام باعلام بیت الله

عبدالرحمان بن محمد ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل شحاده و سهیل صادق زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ **تاریخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام**: شمس الدين محمد بن احمد الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۱۰ق؛ **التاريخ الشامل للمدينة المنورة**: عبدالباسط بدر، مدينه، ۱۴۱۴ق؛ **تاريخ الطبري (تاريخ الامم و الملوك)**: محمد بن جرير الطبري (۲۲۴-۳۱۰ق.)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **تاريخ الفی**: آصف خان قزوینی، قاضی احمد تنوی (م. ۹۹۶ق.)، به کوشش غلام رضا طباطبایی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش؛ **التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم**: محمد طاهر الكردي، تصحيح عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، بيروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ **تاريخ اليعقوبي**: احمد بن ابی يعقوب اليعقوبي (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **تاريخ امراء المدينة المنورة ۱هـ - ۱۴۱۷هـ**: عارف احمد عبدالغني، تهران، اقليم، ۱۴۱۸ق؛ **تاريخ امراء مكة المكرمة من ۸هـ - ۱۳۴۴هـ**: عارف احمد عبدالغني، دمشق، دار البشائر، ۱۴۱۳ق؛ **تاريخ بلعمی (تاريخنامه طبري)**: بلعمی (م. ۳۲۵ق.)، به کوشش محمد روشن، سروش، ۱۳۷۸ش. و البرز، ۱۳۷۳ش؛ **تاريخ خليفة بن خياط**: خليفة بن خياط (م. ۲۴۰ق.)، به تحقيق مصطفى نجيب فواز و حكمت كشلى فواز، بيروت، دار الكتب العلميہ، ۱۴۱۵ق؛ **تاريخ دولة آل سلجوق**: انوشروان بن خالد كاشاني، القاهرة، دار الراشد العربي، ۱۹۷۴م؛ **تاريخ گزيده**: حمدالله مستوفی، به کوشش عبدالحسين نوایی، تهران، اميركبير، ۱۳۶۴ش؛

الحرام: محمد بن احمد النهروالی (م. ۹۹۰ق.)، تحقيق سعيد عبدالفتاح و هشام عبدالعزيز عطا، مكة، مكتبة التجارية مصطفى احمد الباز، ۱۴۱۶ق؛ **امراء مكة المكرمة في العهد العثماني**: اسماعيل حقى، اوزن جارشلى، ترجمه خليل على مراد، بصره، دراسات العلوم الاجتماعيه، ۱۹۸۵م؛ **الامن العالم (فصلنامه)**: القاهرة، جمعية النشر الثقافة الرجال الشرطه؛ **الانباء في تاريخ الخلفاء**: محمد بن على بن العمرانى (۵۸۰ش)، به کوشش قاسم السامرائى، القاهرة، الأفق العربيہ، ۱۴۱۹ق؛ **انساب الاشراف**: احمد بن يحيى السبلدري (م. ۲۷۹ق.)، تحقيق سهيل صادق زكار و رياض زركلى، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۷ق؛ **الانساب**: عبدالكريم السمعاني (م. ۵۶۲ق.)، به کوشش عبدالرحمن، حيدرآباد، دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۸۲ق؛ **البحوث الاسلاميه (فصلنامه)**: رياض، ۱۴۰۷ق؛ **البداية و النهاية في التاريخ**: اسماعيل بن عمر بن كثير (۷۰۰-۷۷۴ق.)، بيروت، مكتبة المعارف، ۱۴۱۱ق؛ **البلدان**: احمد بن ابی يعقوب اليعقوبي (م. ۲۸۴ق.)، به کوشش محمد حسن اسماعيل، بيروت، دار الكتب العلميہ، ۱۴۲۲ق؛ **بهجة النفوس و الاسرار**: عبدالله المرجاني (م. ۶۹۹ق.)، به کوشش محمد عبدالوهاب، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ۲۰۰۲م؛ **پنجاه سفرنامه حج قاجاری**: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش؛ **تاج المفرق**: خالد البلوى، الرياض، ملك الفيصل للبحوث و الدراسات الاسلاميه؛ **تاريخ ابن خلدون (العبر و ديوان المبتداء و الخبر في ايام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوى السلطان الاكبر)**: عبدالرحمان بن محمد

تاریخ مختصر الدول: ابوالفرج ابن العبری (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش الیسوعی، بیروت، دار الشرق ۱۹۹۲م؛ تاریخ مکه المشرفة و المسجد الحرام و المدينة الشریفة و القبر الشریف: محمد بن احمد ابن الضیاء (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش علاء الازهری و ایمن الازهری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق؛ تاریخ مکه، دراسات فی السیاسه و العلم و الاجتماع و العمران: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، مکه، مطبوعات نادى مکه الثقافی، ۱۴۰۴ق؛ تجارب الامم: ابوعلی احمد بن محمد مسکویه (م. ۴۲۱ق.)، به کوشش امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش؛ تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولائها الفخام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به کوشش عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۴ق؛ التحفة اللطیفة فی تاریخ المدينة الشریفه: شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمان السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، مدینه، مرکز بحوث و دراسات المدینه المنوره، ۱۴۲۹ق؛ التدوین فی اخبار القزوین: عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی (م. قرن ۶ق.)، به کوشش عزیزالله عطاردی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق؛ تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق: حافظ محمد عبدالحسین هندی، به کوشش رسول جعفریان و اسرا دوغان، قم، مورخ، ۱۳۸۶ش؛ ترحال فی الجزیره العربیه (یتضمن تاریخ مناطق الحجاز المقدسه عند المسلمین): جان لوئیس بورکهارت (م. ۱۸۱۷ق.)، ترجمه صبری محمد حسن، قاهره، مرکز القومی للترجمه، ۲۰۰۷م؛ تفسیر العیاشی: محمد بن مسعود العیاشی

(م. ۳۲۰ق.)، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق؛ التنافس الدولی فی الخلیج العربی: مصطفی عقیل اسحاق، لبنان: المکتبه العصریه، ۱۹۸۱؛ التنبیه و الاشراف: علی بن الحسین المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، بیروت، دار الصعب، بی‌تا؛ الجواهر الثمینیه فی محاسن المدینه: محمد کبریت الحسینی (م. ۱۰۷۰ق.)، به کوشش محمد حسن اسماعیل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ چاپارخانه‌ها و راه‌های چاپاری در ایران: فریدون عبدلی فرد، تهران، هیرمند، ۱۳۸۱ش؛ حج ۲۶: گزارش حج سال ۱۴۲۶ق. برابر سال ۱۳۸۴ش: محمد حسین رجبی، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ حج ۲۸: گزارشی از حج‌گزاری سال ۱۴۲۸ق.: رضا بابایی و علی‌اکبر جوانفکر، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ش؛ الحج قبل مئه سنة الرحلة السریة للضابط الروسي عبدالعزیز دولت‌نشین الی مکه المکرمة ۱۸۹۸-۱۸۹۹: عبدالعزیز دولت‌نشین، به کوشش نعیم ریزفان، بیروت، دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۱۴ق؛ حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهره: عبدالرحمان بن ابی بکر السیوطی (۸۴۹-۹۱۱ق.)، به کوشش خلیل المنصور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الحوادث الجامعه و التجارب النافعه: عبدالرزاق بن احمد ابن فوطی، ترجمه آیتی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ش؛ خاطرات سفر مکه: احمد هدایتی، تهران، ۱۳۴۳ش؛ خدا در نهج البلاغه: محمد علی گرامی، انتشارات فتح؛ خزانه النواریخ النجدیه: عبدالله بن عبدالرحمان بن صالح آل بسام، ۱۴۱۹؛ دانشنامه جهان اسلام: زیر نظر غلام علی حداد عادل و دیگران، تهران، بنیاد

الى مصر و السودان و الحبشه: اوليا چلبى، ترجمه احمد المرسى، قاهره، دار الأفاق العربيه، ۱۴۲۷ق؛ الروض الانف فى شرح السيرة النبوية لابن هشام: عبدالرحمان بن عبدالله السهيلي (م. ۵۸۱ق.)، به كوشش عبدالرحمان الوكيل، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۲ق؛ سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد: محمد بن يوسف الشمس الشامى (م. ۹۴۲ق.)، به كوشش عادل احمد عبدالوجود و على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق؛ سفرنامه حج منظوم: شهربانو بيگم، به كوشش جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۷۴ش؛ سفرنامه ميرزا داوود وزير طايف: ميرزا داود بن على نقى (م. ۲۷۷ق.)، به كوشش قاضى عسكر، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ سفرنامه ميرزا محمدحسين فراهانى: محمدحسين بن مهدى فراهانى، به كوشش مسعود گلزارى، تهران، فردوسى، ۱۳۶۲ش؛ السيرة النبويه: عبدالملك بن هشام (م. ۲۱۸ق.)، تحقيق مصطفى السقاء و عبدالحفيظ شبلى و ابراهيم اليبيارى، بيروت، دار المعرفة، بى تا؛ شذرات الذهب فى اخبار من ذهب: عبدالحى بن عماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به كوشش عبدالقادر الزنوط، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۰۶ق؛ شفاء الغرام باخبار البلد الحرام: محمد بن احمد التقى الفاسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش گروهى از علماء، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۱ق؛ صبح الاعشى فى صناعة الانشاء: احمد بن على قلقشندى (م. ۸۲۱ق.)، به كوشش سهيل صادق زكار، دمشق، وزاره الثقافه، ۱۹۸۱م؛ صفحات من تاريخ مكة المكرمة فى نهاية القرن الثالث عشر الهجرى: سنوك هروخرونييه، ترجمه

دائرة المعارف اسلامى، ۱۳۷۸ش؛ دراسات تاريخيه (فصلنامه): دمشق، تصدرها لجنة كتابة تاريخ العرب بجامعة دمشق؛ درب زيده طريق الحج من الكوفة الى مكة المكرمة: سعد عبدالعزيز سعد الراشد، رياض، دار الحديث؛ الدرر الفرائد المنظمة فى اخبار الحاج: عبدالقادر الجزيرى (م. ۹۷۷ق.)، به كوشش محمد حسن اسماعيلى، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۲ق؛ درس هاى از مكتب اسلام (ماهنامه): آيت جعفر سبحانى، قم، ۱۳۴۶ش؛ دروب الحجيج (الملاح الجغرافيه لسدروب الحجيج): عبدالمجيد بكر، جده، تهامه، ۱۴۰۱ق؛ دين و دولت در ايران در عهد مغول: شيرين بيانى، تهران، مركز نشر دانشگاهى، ۱۳۸۱ش؛ راه حج: رسول جعفریان، تهران، زيتون سبز، ۱۳۸۹؛ حالة الغرب الاسلامى: نواف عبدالعزيز جحه، اردن، دار السويدى، ۲۰۰۸م؛ الرحلات المغربيه و الاندلسيه: عواطف محمد يوسف نواب، رياض، مكتبة الملك فهد الوطنيه، ۱۴۱۷ق؛ رحلة ابن جبیر: محمد بن احمد بن جبیر (م. ۶۱۴ق.)، بيروت، دار مكتبة الهلال، ۱۹۸۶م؛ الرحلة الحجازيه المسماة الارتسامات اللطاف فى خاطر الحاج اقدس مطاف: شكيب ارسلان، به كوشش محمد رشيد رضا و حسن سماقى سويدان، بيروت، دار النوادر، ۱۴۲۸ق؛ الرحلة الحجازيه: اولياء چلبى، ترجمه احمد المرسى، القاهرة، دار الأفاق العربيه؛ رحلة فى الجزيرة العربية الوسطى: شارل هوبير (م. ۱۹ق.)، بيروت، كتب، ۲۰۰۳م؛ رحلة ابن بطوطه (تحفة النظار فى غرائب الامصار و عجائب الاسفار): ابن بطوطه (م. ۷۷۹ق.)، تحقيق عبدالهادى تازى، رباط، اكاديميه المملكه المغربيه، ۱۴۱۷ق؛ الرحلة

محمد بن محمود سرياني و معراج بن نواب، مكه، مطبوعات نادى مكه الثقافى الادبى، ١٤١١ق؛ صفوة الاعتبار مستودع الامضار و الاقطار: محمد المصطفى بيرم الخامس، به كوشش مأمون بن محيى الدين جنان، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٧ق؛ ضيوف الرحمن: روبرت بيانكى، ترجمه سعيد محمد الاسعد، رياض مكتبة العبيكان، ١٤٢٧ق؛ طبقات الشافعية الكبرى: تاج الدين السبكي (م.٧٧١ق.)، به كوشش عبدالفتاح محمد الحلو و محمود محمد الطناجى، بيروت، هجر للطباعة و النشر، ١٤١٣ق؛ العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين: محمد بن احمد التقى الفاسى (م.٨٣٢ق.) به كوشش محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٩ق؛ الكامل فى التاريخ: على بن محمد بن الاثير (٥٥٥-٦٣٠ق.)، بيروت، دار صادر، ١٣٨٥ق؛ كربلاء فى الارشيف العثماني: قايديلك، به كوشش جازم سعيد و مصطفى رهران، بيروت، الدارالعربيه؛ مجالس المؤمنين: نورالله شوشترى، تهران، اسلاميه، ١٣٧٧؛ مجمل التواريخ و القصص: مهلب بن محمد بن شادى (قرن ٦)، به كوشش ملك الشعراى بهار، تهران، كلاله خاور، ١٣١٨ش؛ المحيّر: محمد بن حبيب (م.٢٤٥ق.)، به كوشش ايلزه ليختن شتيتير، بيروت، دار الافاق الجديده، بى تا؛ محمد در آيينه اسلام: سيد محمد حسين طباطبايى (١٢٨٢-١٣٦٠ش.)، تهران، انتشارات نور فاطمه؛ مرآة الحرمين: ابراهيم رفعت باشا (م.١٣٥٣ق.)، قم، المطبعة العلميه، ١٣٤٤ق؛ مروج الذهب و معادن الجوهر: على بن الحسين المسعودى (م.٣٤٦ق.)، به كوشش يوسف اسعد داغر، قم، انتشارات هجرت، ١٤٠٩ق؛ مسيحيون فى مكه: اغسطس رالى، الرياض، ملك عبدالعزيز؛ معالم

المدينة المنورة بين العماره و التاريخ: عبدالعزيز كعكى، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ١٤١٩ق؛ معجم البلدان: ياقوت بن عبدالله الحموى (م.٦٢٦ق.)، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م؛ المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام: جواد على عبيدى (١٣٢٤-١٤٠٨ق.)، بيروت، دار الساقى، ١٤٢٢ق؛ مكتب اسلام (ماهانامه): قم، مؤسسه مكتب اسلام؛ المملكة العربية السعودية فى مائه عام: سالم بن محمد السالم، مكتبة المصطفى؛ المناسك و اماكن طرق الحج: ابواسحاق الحربى (م.٢٨٥ق.)، به كوشش حمد الجاسر، رياض، دار اليمامه، ١٤٠١ق؛ منائح الكرم فى اخبار مكه و البيت و ولاه الحرم: على بن تاج الدين السنجارى (م.١١٢٥ق.)، تحقيق جميل عبدالله محمد المصرى، مكه، جامعه ام القرى، ١٤١٩ق؛ المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم: عبدالرحمان بن على ابن الجوزى (م.٥٩٧ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا و نعيم زرزور، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٢ق؛ المنمق فى اخبار قريش: محمد بن حبيب (م.٢٤٥ق.)، به كوشش خورشيد احمد فاروق، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٥ق؛ المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار (الخطط المقرئيه): المقرئى (م.٨٤٥ق.)، به كوشش خليل المنصور، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ الموجز فى تاريخ فلسطين السياسى: محمود الياس شوقانى، بيروت، دراسات فلسطينيه؛ المورد (سالنامه): بغداد، وزارة الثقافة و الاعلام، دار الشؤون الثقافيه العامه الاعلاميه؛ موسوعة مكه المكرمه و المدينة المنوره: احمد زكى يمانى، مصر، مؤسسة الفرقان، ١٤٢٩ق؛ موسوعة العتبات المقدسه:

فقها به فردی که از تصرف در اموال خود محروم است، اطلاق می‌شود.^۲ بر پایه فقه امامی، محجوران عبارتند از: «کودکان^۳، افراد ورشکسته (مفلس^۴)، سفیهان^۵، دیوانگان^۶ و بردگان^۷».

از آن‌جا که حج کودکان در مدخلی مستقل بررسی شده است و بر مفلس، به جهت فقدان استطاعت مالی، حج واجب نیست، در این مقاله تنها احکام حج سه گروه دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

◀ **حج سفیه:** سفیه، معادل غیر رشید در لغت، به کم‌خرد، نادان و افراد سبک‌سر گفته شده است.^۸ قرآن افراد روی‌گردان از مناسک حج ابراهیم عليه السلام را سفیه نامیده است: «وَمَنْ يُرْعَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره ۱۳۰/۲). سفیه در اصطلاح کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود،

جعفر خلیلی، بیروت، الاعلامی، ۱۴۰۷ق؛ موسوعة مرآة الحرمين الشریفین: ایوب صبری باشا (م. ۱۲۹۰ق.)، القاهرة، دار الأفاق العربیه، ۱۴۲۴ق؛ میراث اسپانیای مسلمان: سلمی خضراء جیوسی، ترجمه اکبری و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ق.)، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، الهيئة المصرية العامة، ۱۳۹۱ق؛ نهج البلاغه: شریف الرضی (م. ۴۰۶ق.)، شرح صبحی صالح، قم، دار الاسوه، ۱۴۱۵ق؛ هداية الحجاج: محمدرضا طباطبایی تبریزی، به کوشش جعفریان، قم، مورخ ۱۳۸۶ش؛ وفيات الاعيان وانباء ابناء الزمان مما ثبت بالنقل او السماع او اثبته العيان: احمد بن محمد بن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

علی احمدی میرآقا



حج مجنون ← حج محجوران

حج محجوران: انجام حج توسط افراد ناتوان از تصرف در اموالشان

محجور از ماده «ح-ج-ر» که در لغت به معنای «منع» است، گرفته شده^۱ و در اصطلاح

۱. العین، ج ۳، ص ۷۴-۷۵؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۵۹، «حجر».

۲. مصطلحات الفقه، ص ۴۷۷.

۳. تذکرة الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۸۵؛ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲،

ص ۲۸۲.

۴. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۸۱.

۵. مبانی العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶.

۶. جامع المدارک، ج ۳، ص ۴۴۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۱۰، ص ۱۲-۱۳؛

غایة الآمال، ج ۲، ص ۳۲۸.

۷. کنز العرفان، ج ۲، ص ۱۱۱.

۸. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۹۷-۴۹۸؛ العین، ج ۴، ص ۹، «سفه».